

نگاه دیپلمات

تعریف معوج از نفوذ



جاوید قربان‌اوغلی

دیپلمات بازنشسته

این فقط ایران نیست که به دنبال افزایش نفوذ معنوی یا ایجاد مجموعه‌ای از هواداران و حامیان فرامزی در منطقه خودش است؛ این رویکرد ایران فقط مختص به دوران پس از انقلاب اسلامی نیست و در زمان قدیم هم وجود داشت. همه دولت‌ها به دنبال این هستند که نفوذ خودشان را در کشورهای پیرامونی گسترش دهند، تا هم بتوانند منافع بیشتری در کشورهای دیگر برای خود تأمین کنند و هم اینکه امنیت مرزهای خود را مستحکم‌تر کنند. به تناسب قدرت هر دولت، حوزه نفوذ آن کشور گسترده‌تر و وسیع‌تر می‌شود و به سرزمین‌های دورتر می‌رسد. این سیاست، رویکردی غیرطبیعی و غیرعادی تلقی نمی‌شود. کشورهایی که حوزه تمدنی گسترده‌تری دارند، سعی می‌کنند چه از طریق زبان، چه از طریق فرهنگ و از طریق دیگر عناصر سازنده تمدن خود، نفوذ و حضور خود را در منطقه حوزه تمدنی نگه دارند. هیچ ایرادی ندارد که کشورها تلاش کنند تا نفوذ خود را در منطقه خود و حتی سرزمین‌های دوردست‌تر حفظ کنند.

نفوذ از دو طریق امکان‌پذیر است؛ یکسری از ابزارهای نفوذ، ابزارهای نرم‌افزاری هستند، برای مثال در اطراف ما کشورهایی هستند که بخشی یا تمامی شهروندان آن کشور به زبان فارسی صحبت می‌کنند، یا مثلاً در حوزه تمدن فرهنگی ایران کشورهای متعددی با درصدهای مختلفی از رسوم و سنت‌های مشترک وجود دارند. پیش از انقلاب هم تلاش می‌شد تا نفوذ فرهنگی ایران در این کشورها تقویت شود و شهروندانی را که این رسوم و سنت‌ها را پیگیری می‌کنند، تقویت کنند. برای مثال یکی از زبان‌های مسلط در هند، زمانی زبان فارسی بود. در دوران‌های گذشته شخصیت‌های بارز فرهنگی، ادبی یا علمی را به عنوان ریزن فرهنگی به هندوستان اعزام می‌کردند، چراکه اهمیت این اشتراک‌های فرهنگی و تمدنی را درک می‌کردند. کشورهای جهان هزینه‌های زیادی برای نفوذ نرم انجام می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران هم چنین هزینه‌هایی انجام می‌دهد؛ نمی‌توان از این روش نفوذ ایراد گرفت، بلکه باید این روش را تشویق کرد. روش دیگر نفوذ، نفوذ سخت‌افزاری است. نفوذ سخت‌افزاری سخت‌تر، پرهزینه‌تر و معمولاً کم‌منفعت‌تر است؛ به‌ویژه زمانی که نفوذ سخت‌با استفاده از ابزارهای نظامی و امنیتی انجام شود. به نظر من اشتباه استراتژیکی که ایران دارد، این نیست که تلاش می‌کند حوزه نفوذ خود را گسترش دهد، بلکه تعریفی که از نفوذ دارد، تعریفی غلط است. به یاد دارم در یکی از همایش‌های سفر، مقام معظم رهبری از سفر خودشان به پاکستان، در دوران ریاست جمهوری‌شان، خاطره‌ای تعریف می‌کردند و به یاد می‌آوردند که چه خیل عظیمی از مردم پاکستان برای استقبال از رئیس‌جمهور اسلامی ایران فرته‌بودند. سفر ایشان در دوران ریاست جمهوری ژنرال محمد ضیاءالحق انجام شده بود و بعید است که دولت پاکستان اساساً علاقه‌ای به نشان دادن علاقه عمومی به این سفر در آن زمان داشت. عامل اصلی این استقبال حضور و نفوذ معنوی ایران در پاکستان پس از انقلاب اسلامی بود. آوازه انقلاب اسلامی بود که مردم پاکستان را جذب کرده بود؛ نه قدرت نظامی یا اقتصادی ایران.

مشکل زمانی ایجاد شد که نفوذ صرفاً در ابعاد نظامی و امنیتی تعریف شد. هیچ‌کس معتقد نیست که مبارزه با تروریسم در منطقه یا کمک به مبارزه با اشغالگری اسرائیل، اقدام و رویکرد غلطی از سوی ایران بود، اما مشکل جایی است که در مسیر اعمال نفوذ عناصر دیگر تعیین قدرت نادیده گرفته شدند. در نفوذ نرم، رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی نه احساس تهدید شدید می‌کنند و نه موضع‌گیری ستیزه‌جویانه انجام می‌دهند. حتی اگر قرار به تقابل باشد، رقبا هم تلاش می‌کنند که با ابزارهای نرم وارد مواجهه شوند. ولی نفوذ به یک پرونده امنیتی و نظامی تبدیل می‌شود، رقبا هم احساس می‌کنند که باید با ابزارهای قدرت سخت با آن مقابله کنند. نخستین اولویت هر دولتی امنیت داخلی خودش است و تلاش می‌کند که اولویت شهروندان کشور هم نگاه به داخل باشد و نه نگاه به بیرون. کشورهای میزبان نفوذ سخت، نخستین طرفی هستند که تلاش می‌کنند از سیطره نفوذ خارجی خلاص شوند. مسئله دیگر این است که وقتی طرفی مانند ایران تلاش می‌کند از طریق ایجاد شبکه حامیان امنیتی و نظامی، نفوذ خود را در کشوری دیگر گسترش دهد، قاعدتاً هدفی را دنبال می‌کند. مثلاً ایران ممکن است در کشوری همسایه، به دنبال مقابله با یک دشمن خارجی یا دست‌کم ایجاد مزاحمت برای دشمن خارجی منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای باشد. در این شرایط طرفی مانند ایران از یک طرف خود را با منافع اساسی کشور میزبان

آسیب‌پذیری‌های امنیتی شده است. حتی در کشوری مانند عراق که دولتی همسوی با جمهوری اسلامی ایران در قدرت است، نفوذ اقتصادی ایران نسبت به رقبای مانند ترکیه و آمریکا بسیار کمتر است.

شاید عراق تنها نمونه موفق از نفوذشوندگی اقتصادی نفوذ نظامی و امنیتی تهران باشد، اما باز هم ترکیه با سرمایه‌گذاری امنیتی و نظامی بسیار کمتر توانسته است سهم بیشتری از بازارهای عراق را به خود اختصاص دهد و نسبت به ایران بازیگر مؤثرتری در صحنه اقتصاد و سرمایه‌گذاری در عراق باشد. براساس آمار تجارت خارجی ترکیه در سال ۲۰۲۲ رقم صادرات ترکیه به عراق به بیش از ۱۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسیده است، در حالی که ایران ۱۱ میلیارد دلار کالای غیرنفتی به عراق صادر کرده است. ترکیه در طول سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری‌های کلانی در بخش نفت و حمل و نقل در اقلیم کردستان عراق انجام داده است. در عین حال ترکیه به دلیل وابستگی به واردات نفت خام، واردات بیشتری هم از عراق دارد، در حالی که واردات ایران از عراق بسیار ناچیز است و به همین دلیل روابط تجاری ترکیه و عراق، نسبت به روابط ایران و عراق، متوازن‌تر است.

داود غریابی‌زندی می‌گوید: «منتقدان سیاست کنونی معتقدند، تجسم قدرت فقط نمی‌تواند یک‌پدیده باشد. قرار نیست رشد و توسعه در کشور ما فقط در یک حوزه رخ دهد. در همین راستا نفوذ هم قرار نیست فقط از یک مسیر اتفاق بیفتد، رویکرد مبتنی بر منافع ملی معتقد است جمهوری اسلامی ایران باید همه ابعاد توسعه، پیشرفت و نفوذ را در نظر بگیرد و رشد سرطانی یک عنصر قدرت و استضعاف عناصر دیگر تشکیل‌دهنده قدرت، نه تنها ما را ضعیف نگه می‌دارد، بلکه در درازمدت باعث می‌شود ما دچار اشتباه‌های محاسباتی بزرگی شویم.» این استاد دانشگاه شهید بهشتی معتقد است: «همانطور که شوروی روسیه دچار اشتباه محاسباتی شد، شوروی معتقد بود، پیروز جنگ جهانی دوم است و سلاح هسته‌ای و قدرت نظامی دارد و با ترکیه بر همین عناصر تلاش کرد قدرت خود را در جهان مجسم کند اما نهایتاً به دلیل ضعف در دیگر عناصر تشکیل‌دهنده قدرت، دچار فروپاشی شد. روسیه هم در حال حاضر با ترکیه صرف بر قدرت نظامی تلاش می‌کند که قدرت خود را مجسم کند، اما بعد از جنگ اوکراین مشخص شد که تا چه اندازه در مقابل توانایی‌های اقتصادی و تبلیغاتی رقبایش دچار ضعف است و با مشکلات بزرگی مواجه شد.» غریابی‌زندی معتقد است، ایران هنوز نتوانسته است سیاست‌گذاری خارجی موفق برای تأمین منافع ملی داشته باشد. وی می‌گوید: «ترکیه رویکردی مبتنی بر منافع ملی در منطقه دنبال می‌کند، روش ترکیه الزاماً به این معنا نیست که سیاست‌هایی مانند نوع‌ثمنانی‌گری یا کمالیسم یا اتحاد ملت‌های ترک را در منطقه دنبال نکند. عربستان سعودی هم با حاکمیت محمد بن سلمان، رویکرد مشابهی را در پیش گرفته است و به همین دلیل است که نوع سیاست‌ها و برنامه‌هایش در منطقه فرق می‌کند.»

منافع ملی و انقلابی‌گری

برخی تحلیل‌گران معتقدند، ناتوانی در کسب منافع بیشتر از نفوذ منطقه‌ای ایران، ناشی از یک ضعف بنیادین در نحوه سیاست‌گذاری در ایران است. داود غریابی‌زندی می‌گوید: «ایران باید دیدگاه خودش را نسبت به عملکردش در منطقه به درستی تعیین کند. اگر ایران خودش را یک دولت مستقل در منطقه بداند و بر این اساس رفتار کند، قاعدتاً باید تلاش کند تا روابطش را با کشورهای مختلف بهبود ببخشد، منافع خود را دنبال کند و یک دولت-ملت (Nation State) به مفهوم امروزی باشد.» وی می‌گوید: «اما اشکالی که ایران با آن مواجه شده است، این است که تهران فراتر از مسائل منافع ملی به منطقه نگاه می‌کند. جمهوری اسلامی منافع ملی را ذیل یکسری منافع دیگر قرار می‌دهد. در این چارچوب منافع ملی ایران ذیل مسائل دیگر مانند منافع اسلامی یا مقابله با قدرت‌های بزرگ تعریف می‌شود. گو اینکه ایران به دنبال تسویه حساب تاریخی با آمریکا پس از کودتای ۲۸ مرداد یا پیگیری مبارزه ضد استعماری که پس از مشروطه در ایران آغاز شده است، در قالب مقابله با نفوذ کشورهای غربی در منطقه است.» استاد دانشگاه شهید بهشتی معتقد است: «تهران هیچ تمایلی برای محاسبه سود و زیان رویکردها ندارد. در رویکرد مبتنی بر منافع ملی به دلیل اینکه منافع در اولویت قرار دارد، همواره در مورد سود و زیان عملکرد محاسبه انجام می‌شود تا براساس هر اقدامی، بیشترین منافع برای کشور تأمین شود. منافع ملی براساس چهار عنصر بنیادین تعریف می‌شود: بقا، خودمختاری، رفاه و اعتبار یا پرستیژ. هر چهار عنصر باید برای تأمین منافع ملی در نظر گرفته شود. اگر کشوری بقا را دنبال کند، اما رفاهش تحت تأثیر قرار بگیرد، آنگاه درک و تعریف درستی از منافع ملی وجود ندارد.» غریابی‌زندی می‌گوید: «رویکرد دیگری هم وجود دارد که مبتنی بر انقلابی‌گری است. در این چارچوب هر چند موجودیت کشور تأیید می‌شود، اما خود را در یک زمینه وسیع‌تر و بزرگ‌تر تعریف می‌کند و خود را در این محدوده بزرگ‌تر و وسیع‌تر می‌بیند. جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته است که رویکرد دقیق خود را انتخاب کند. نه در سطح دیپلماسی و نه در سطح میدان. ایران نتوانسته است تصمیم بگیرد که یک دولت-ملت مدرن است که تنها براساس منافع ملی واحد سیاسی خودش تصمیم می‌گیرد یا یک کشور انقلابی است که بر مبنای زمینه و Context وسیع‌تر جهان اسلام یا غرب آسیا تصمیم‌گیری می‌کند.» وی می‌گوید: «بدون توجه به اینکه کدام دولت روی کار باشد، ما دائماً مواجعه‌روپارویی مستمر وزارت امور خارجه و نیروهای فرامزی و مستشاری رودر رو هستیم.» داود غریابی‌زندی تأکید می‌کند: «در عین حال ما همچنان دوگانه‌ای در کشور داریم که دقیقاً براساس همان تمایز دو رویکرد منافع ملی و انقلابی‌گری است. هواداران رویکرد انقلابی‌گری در منطقه می‌گویند، اگر جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است امتیازی دریافت کند،

به واسطه همین حضور وسیع منطقه‌ای است. این افراد معتقدند، اگر ایران در دوران پیش از انقلاب وابستگی مطلق به خارج از کشور داشت، حالا با این رویکرد انقلابی‌گری نتوانسته است امتیازهای متعددی از دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا و اروپا و برخی کشورهای منطقه‌ای دریافت کند. این دسته از تحلیل‌گران حتی معتقدند، حضور منطقه‌ای ایران باعث شده است که روسیه هم از یک قدرت جهانی ممتاز به یک قدرت وابسته به ایران تبدیل شود که هم در سوریه مجبور به کمک گرفتن از تهران شد و هم در جنگ اوکراین به تحهیزات نظامی ایران وابسته شد.»



دیپلمات‌ها



ریمت کنترل دست ما نیست

حسین امیرعبداللّه‌یمن، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ای با المانیتور گفت: «در حدود ۱۱۰ روز گذشته، پیام‌های مختلفی درباره تحولات منطقه و غزه بین ایران و آمریکا تبادل شده است. خود من هفته گذشته در داووس و در دیدار با دیوید کامرون، وزیر خارجه انگلیس، به وی صراحتاً گفتم حمله مشترک انگلیس و آمریکا به یمن خطایی راهبردی بود.» به گزارش ایسنا امیرعبداللّه‌یمن گفت: «پرواض است که امنیت کشتی‌رانی و دریانوردی در دریای سرخ و منطقه به نفع ماست. بخش مهمی از تجارت و حمل و نقل نفت‌ما از طریق دریا انجام می‌شود. منطقه از جنگ در منطقه سود نخواهد برد.» وی تأکید کرد: «تصور غلطی در بین مقامات کاخ سفید و دولتمردان آمریکا وجود دارد؛ بعضی از دولتمردان آمریکا فکر می‌کنند ریمت کنترل حوشی‌ها، حزب‌الله و حماس در دست ماست. واقعاً آن‌ها خودشان به‌طور مستقل تصمیم می‌گیرند. آن‌ها هر کدام مصالح و ملاحظاتی خودشان را دارند.»



ایران کشور دوست و برادر ماست

انوار الحق کاکر، نخست‌وزیر پاکستان، طی مصاحبه‌ای با چند شبکه خبری پاکستان اظهار داشت که پاکستان همواره در فراز و نشیب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در کنار همسایه و برادر خود ایران ایستاده و هرگز به ماجراجویی‌ها علیه این کشور ملحق نشده است. به گزارش ایرنا، وی افزود: «پاکستان در گذشته اقداماتی را برای رفع نگرانی‌های امنیتی ایران از جمله استرداد عناصر تروریستی به تهران انجام داده و اکنون نیز امیدواریم با بهره‌گیری از کانال‌های ارتباطی متعدد بین دو کشور، به‌ویژه تقویت همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی قادر به مقابله به چالش‌های مشترک در مرزهای خود خواهیم بود.» نخست‌وزیر دولت موقت پاکستان اظهار داشت که ایران همچنان کشور دوست و برادر ما است و خوشبختانه هیچ تقابل راهبردی یا اختلافات اصولی میان دو همسایه وجود ندارد.



ارزیابی و اظهار نظری نداریم

معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به ادعای روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال مبنی بر هشدار اطلاعاتی واشنگتن به تهران درباره حمله تروریستی کرمان از اظهار نظر در این باره خودداری کرد. به گزارش ایرنا، ودانت پاتل، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، روز پنجشنبه به وقت محلی در جمع خبرنگاران این مطلب را بیان کرد. خبرنگاری از معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا پرسید: «براساس گزارش وال استریت ژورنال، آمریکا به ایران در مورد حملات کرمان هشدار داده بود، آیا این به معنی همکاری اطلاعاتی آمریکا و سپاه است؟» ودانت پاتل پاسخ داد: «اظهار نظر و ارزیابی عمومی در این زمینه ندارم. براساس اطلاعات ما حمله تروریستی کرمان تمام ویژگی‌های یک حمله از سوی داعش را داشت و ما می‌خواهیم همدردی خود را با مردم ایران تکرار کنیم.» این سخنگوی وزارت خارجه آمریکا همچنین در بخش دیگری از سخنانش مدعی شد که در مورد سیاست آمریکا در مورد ایران و تلاش برای جلوگیری از فعالیت‌های مخرب وی‌بی‌ثبات‌کننده این کشور در منطقه و جهان توضیح داده بودم. ارزیابی جدیدی در مورد تغییر سیاست آمریکا ندارم.